

The “Nature” of Social History: A Reflection

Mohammad Jalal Makhani*

Alireza Mollaiy Tavany**

Abstract

Social history" is one of the famous branches in historical studies and this article seeks to present a definition of it. The "nature" of social history in historical studies has always been the focus of scholars in the field, while examining this with a conceptual and theoretical approach can provide a basis for an accurate understanding and also a conceptual framework for those who think about it; because the breadth of the field and its lack of definition has always caused misunderstandings. Having said that, the importance of social history demands more attention to such researches. This research seeks the question of “what social history is?”. To answer the question, we will try to present a history of the rise of social history and the afore-mentioned approach in historical studies, so that the concept of this interdisciplinary knowledge becomes more apparent. In this article, after presenting the definitions and a history of social history, the main streams of social history and its disciplines and sub-disciplines that constitute it, together with the constituent elements of social history, as well as the positions of scholars against these elements, have been examined

Keywords: Social History, Historiography, History, Social Narrative, Social.

* PhD Candidate in History of Iran, Institute for Humanities and Cultural studies (Corresponding Author),
M.J.Makhani@gmail.com

** Professor in History of Iran, Institute for Humanities and Cultural studies, mollaiynet@yahoo.com

Date received: 22/08/2023, Date of acceptance: 23/12/2023



تأملی در «چیستی» و «ماهیت» تاریخ اجتماعی

محمدجلال ماخانی*

علیرضا ملایی توانی**

چکیده

تاریخ اجتماعی یکی از شاخه‌های مشهور در مطالعات تاریخی است و این مقاله در پی ارائه تصویری از چهارچوب دانش تاریخ اجتماعی است. اگرچه «چیستی» و «ماهیت» این دانش همواره مورد توجه دانشوران این حوزه بوده است، به نظر می‌رسد که بررسی این مسئله با رویکردی مفهومی - نظری می‌تواند زمینه‌ای را به منظور تفاهم و تحدید این مفهوم برای اهل نظر فراهم آورد. گستردگی این حوزه و نیز تعریف‌گریزی آن همواره کژفهمی‌هایی را موجب شده و از همین روی، می‌کوشیم تا ضمن بررسی و تحلیل تعاریف موجود به سنخ‌شناسی آن‌ها و نیز مقولات موجود در تاریخ اجتماعی بپردازیم. این پژوهش در پی این سؤال است که به‌راستی تاریخ اجتماعی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش ضمن ارائه تاریخچه برآمدن تاریخ اجتماعی، برای درک زمینه‌های این دانش، به کاوش در «چیستی» و «ماهیت» این ره‌یافت با توجه به تعاریف موجود از سوی صاحب‌نظران این عرصه می‌پردازیم. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی آبخورهای اصلی رشته‌ها و زیررشته‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی، عناصر تشکیل‌دهنده، و نیز مواضع صاحب‌نظران مشهور را درمقابل این مقولات نشان می‌دهد و تصویری مفهومی - نظری را از این دانش ترسیم می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تاریخ اجتماعی، تاریخ‌نگاری، تاریخ، روایت اجتماعی، اجتماعی.

* دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده

مسئول)، M.J.Makhani@gmail.com

** استاد پژوهشکده تاریخ ایران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، mollaiynet@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۳۱، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲



۱. مقدمه

طرح بحث در این مقاله را می‌توان با این پرسش آغاز کرد که آیا اساساً مقولهٔ مستقلاً به‌نام «تاریخ اجتماعی» وجود دارد یا تاریخ اجتماعی همان «روایت‌های اجتماعی» موجود است؟ دشواری پاسخ به چنین تعریفی پیش‌تر نیز مورد توجه برخی از صاحب‌نظران بوده است (برای نمونه، بنگرید به Hobsbawm 1971: 20-25؛ Joyce 2010؛ موسی‌پور ۱۳۸۶: ۱۴۱). بدیهی است که پاسخ ما به این پرسش مثبت است و برای پاسخ به این پرسش ناگزیریم تا با بررسی تعاریف پیش‌گامان این عرصه مقولات موجود در تاریخ اجتماعی را واریسی کنیم. پیش از ورود به بحث، این توضیح بایسته است که در حال حاضر، تاریخ اجتماعی گونه‌ای مجزا با روش‌شناسی و ادبیات خاص خود است که در پی فهم اجتماع امر اجتماعی و تغییرات آن است. البته این نکته حائز تذکر است که در به‌کارگیری عنوان تاریخ اجتماعی برای «روایت‌های اجتماعی» می‌بایست کمی احتیاط کرد؛ چراکه روایت‌های اجتماعی موجود را نمی‌توان صرفاً تاریخ اجتماعی در معنای دقیق کلمه دانست؛ روایت‌های اجتماعی مواد تشکیل‌دهندهٔ تاریخ اجتماعی هستند و نه خود آن.

در تلقی عمومی از تاریخ، تاریخ سیاسی، یا انواع مشهور تاریخ هیچ اعوجاجی در خصوص درک این معانی وجود ندارد. در واقع، صفت‌هایی مانند سیاسی، دیپلماتیک، نظامی، و ...، که پس از واژهٔ تاریخ می‌آیند، چیزی شبیه فصل^۱ در علم منطق هستند و با محدودسازی دامنهٔ مطالعهٔ مورد نظر موضوع را برای ما روشن‌تر می‌سازند، در حالی که صفت اجتماعی در کنار تاریخ چنین وضعیتی ندارد؛ زیرا نه تنها دامنهٔ پژوهش را محدود نمی‌کند، بلکه معانی بیش‌تری را به ذهن متبادر می‌سازد، بدین سبب که تاریخ اجتماعی، برخلاف انواع پیشین، در حوزه‌های مختلفی به غور و تفحص می‌پردازد.^۲

برای آگاهی از تعاریف مرسوم تاریخ اجتماعی دو گونه تعریف در بخش آتی نقل شده است؛ یکی تعاریف دانش‌نامه‌ای و کلی‌تر از این مقوله که با ارجاع به دانش‌نامهٔ بریتانیکا (*Encyclopædia Britannica*) و گروه تاریخ دانشگاه شیکاگو (University of Chicago) نقل شده‌اند و عمده‌تاً تعاریف‌هایی عمومی‌تر به حساب می‌آیند و در بخش دوم تعاریفی از صاحب‌نظران نام‌دار تاریخ اجتماعی که تعاریفی دقیق‌تر و اختصاصی‌تر از این مقوله‌اند. در میانهٔ تعاریف بسیار فراوان و گاه متناقض انتخاب چند نمونه بسیار دشوار است، باین حال تعاریفی از کسانی مانند پیتر استرنز (Peter N. Stearns 1936)، ویراستار آثار سترگی مانند دانش‌نامهٔ تاریخ اجتماعی (*Encyclopædia of Social History*) و دانش‌نامهٔ تاریخ اجتماعی اروپا (*Encyclopædia of European*)

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملّایی توانی) ۲۵۵

Social History)، اریک هابسبام (Eric J. Hobsbawm 1917-2012)، مورخ نام‌دار بریتانیایی، و برخی از مورخان مشهور این عرصه را برگزیدیم و کوشیدیم که تاحد ممکن این تعاریف با یک‌دیگر متفاوت باشند تا طیف بیش‌تری را در بر گیرند.

۲. پیشینه پژوهش

تورج اتابکی طی مصاحبه‌ای در تعریف تاریخ اجتماعی آن را دارای سه شناسه معرفی می‌کند: «اعتراضات گروه‌های فرودست»، «فعالیت اجتماعی انسان‌ها»، و «تاریخ اقتصادی» (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۱۳۸۲: ۸). داریوش رحمانیان تاریخ اجتماعی را ناظر به دو معنای جدا و گوناگون می‌داند: «پژوهش مورخ برپایه دیدگاه اجتماعی» و «شعبه‌ای مستقل در دانش تاریخ» (کتاب ماه تاریخ و جغرافیا ۱۳۸۶: ۴). ابراهیم موسی‌پور در مقاله «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی» به بررسی و تعریف این مقوله پرداخته است که در سطور آتی به آن می‌پردازیم (بنگرید به موسی‌پور ۱۳۸۶). موسی‌پور طی مصاحبه‌ای با اشاره به تاریخ مردم/ایران زرین‌کوب را در شمار نخستین پیش‌گامانی معرفی می‌کند که به تاریخ اجتماعی التفاتی داشته‌اند (بنگرید به مردم‌نامه ۱۳۹۸: ۱۵۴). همو دو اثر تاریخ/اجتماعی: دانش، روش، آموزش (۱۳۹۴) و تاریخ/اجتماعی: مسائل، راه‌بردها، و روش‌ها (۱۳۹۴) را به‌هم‌راه محمدابراهیم باسط گردآوری و ترجمه کرده است و ره‌یافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ/اجتماعی (۱۴۰۰) جدیدترین اثر او در این زمینه است. درکنار آثار بالا، صفورا برومند در سال ۱۳۹۱ طرحی را با نام «ممیزی تاریخ اجتماعی در ایران» به‌انجام رسانیده است که بخشی از آن در مقاله «آسیب‌شناسی آموزش تاریخ اجتماعی در نظام آموزشی عالی ایران» قابل مطالعه است و در پایان، مجله تحقیقات تاریخ/اجتماعی از سال ۱۳۹۰ و پژوهش‌نامه تاریخ/اجتماعی و اقتصادی از سال ۱۳۹۱ دو مجله‌ای هستند که مقالات فراوانی را در حوزه‌های مختلف تاریخ اجتماعی به‌طبع می‌رسانند (بنگرید به <https://socialhistory.ihs.ac.ir>؛ <https://economichistory.ihs.ac.ir>).

۳. تعاریف

بنابر تعریف دانش‌نامه بریتانیکا «تاریخ اجتماعی، شاخه‌ای از تاریخ است که به‌جای امور مرتبط با [ساختارهای] دولت [یا قدرت یا حکومت] بر ساختارهای اجتماعی و کنش‌های متقابل گروه‌های مختلف جامعه تأکید می‌کند. این رشته با اشتقاق از تاریخ اقتصادی در دهه ۱۹۶۰ م ایجاد شد. تمرکز نخستین تاریخ اجتماعی بر گروه‌های اجتماعی محروم بود، اما به تدریج توجه

آن به طبقه متوسط و بالا نیز جلب شد. تاریخ اجتماعی، در قامت یک رشته، عمدتاً از یک سو با تاریخ اقتصادی (economic history) و از سوی دیگر با جامعه‌شناسی (sociology) و قوم‌شناسی (ethnology) پیوند دارد» (<<https://www.britannica.com/topic/social-history>>).

در پایگاه اینترنتی «گروه تاریخ دانشگاه شیکاگو» آمده است: «تاریخ اجتماعی رشته‌ای است که در میانه سده بیستم میلادی در واکنش به رشته‌های قدیمی‌تر تاریخ از جمله تاریخ سیاسی، تاریخ دیپلماسی، تاریخ مردان بزرگ، مطالعاتی که به سبب تمرکز بر نخبگان نتوانستند به تجربیات تاریخی جامعه بپردازند، ظهور کرده است»

(<<https://www.history.uchicago.edu/content/social-history>>).

پیترا استرنز، استاد دانشگاه جورج میسون (George Mason University) و از پیش‌گامان تاریخ اجتماعی نوین، در مدخل تاریخ اجتماعی (social history) در *دانش‌نامه تاریخ اجتماعی*، در تعریف پایه‌ای از تاریخ اجتماعی معتقد است: «مورخان اجتماعی، بیش از توصیف‌گری بر مبنای روی‌دادها (شیوه توصیف روی‌دادمحور) بر فرایند تحول (مانند رواج معیار تازه‌ای برای تعیین نرخ موالید) تأکید کرده‌اند» (استرنز ۱۳۹۴: ۳۰)، هم‌چنین او در مقدمه *دانش‌نامه* دو نکته را متذکر می‌شود: الف) مورخان اجتماعی در پی نشان‌دادن تاریخ پرغنای گروه‌های اجتماعی دورافتاده از قدرت هستند؛ ب) طیف گسترده‌ای از رفتارهای اجتماعی و اندیشه‌های مختلف و نه صرفاً سیاست و اندیشه در معنای مرسوم آن شکل‌دهنده تاریخ اجتماعی هستند (بنگرید به Stearns 1993: Introduction).

اریک هابسبام (Eric J. Hobsbawm 1917-2012) در مقاله‌ای با عنوان «از تاریخ اجتماعی به سوی تاریخ جامعه» («From Social History to the history of Society») معتقد است که اصطلاح تاریخ اجتماعی تداعی‌گر سه معنا در ذهن ماست: الف) مقولاتی چون فرودستان، طبقات فرودست، و یا جنبش فرودستان؛ ب) ارجاع به طیف متنوعی از آثار مرتبط با کنش‌های انسانی، از جمله شیوه‌ها، رسوم، و زندگی روزمره؛ پ) تاریخ اجتماعی آمیخته به تاریخ اقتصادی. هم‌چنین، هابسبام مضامین موجود در تاریخ اجتماعی را به شش دسته تقسیم می‌کند:

۱. جمعیت‌شناسی و نسب‌شناسی (demography and kinship) (بنگرید به Gutman 1994: 255-257)؛

۲. مطالعات شهری (urban studies)؛

۳. طبقات و گروه‌های اجتماعی (classes and social groups)؛

۴. تاریخ «ذهنیت» (mentalities) یا آگاهی جمعی یا «فرهنگ» در معنای مردم‌شناسانه آن (بنگرید به Lindeman 1994: 608-612)؛

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۵۷

۵. تحولات اجتماعی (مانند مدرن‌سازی و صنعتی‌سازی) (بنگرید به Rozman 1994: 664-666؛ Hanagan 1994: 455-459)؛

۶. جنبش‌های اجتماعی و پدیده اعتراضات اجتماعی (Hobsbawm 1971: 32-33).

مجله هیستوری تودی (*History Today*) در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ اجتماعی چیست؟» (What is Social History?) این سؤال را از هفت مورخ پرسیده است.^۳ رافائل ساموئل می‌گوید:

تاریخ اجتماعی نه تنها بازتاب‌دهندهٔ علایق عمومی است، بلکه باعث خلق آن نیز می‌شود. از همین روی، «ارزش‌ها (Values) و ویکتوریایی» در حدود یک دهه پیش از برآمدن مارگارت تاچر (Margaret Thatcher 1925-2013) و تصاحب آن از طرف برنامه انتخاباتی حزب او به دست علاقه‌مندان به سدهٔ نوزدهم میلادی بازسازی می‌شود.

در نگاه او تاریخ اجتماعی به جای انتزاعیات (abstractions) به «زندگی واقعی» (real life)، به جای نخبگان ممتاز به افراد «معمولی» (ordinary)، و به جای روی دادهای مهیج به امور روزمره می‌پردازد (Samuel 1985).

در نگاه هاپکینز «تاریخ اجتماعی تودهٔ متراکم و کورکورانه‌ای از وقایع نیست (و یا نباید باشد)، تاریخ اجتماعی باید متفکرانه باشد: داستانی اخلاقی، نوشته، و یا جستاری براساس سرگذشت فکری». تاریخ اجتماعی از این رو می‌بایست فکورانه باشد؛ زیرا ما گذشته را با حال تفسیر می‌کنیم. او با ارجاع به نقل قول مشهور بندتو کروچه (Benedetto Croce 1866-1952)، که گفته است: «همهٔ تاریخ تاریخ معاصر است»، خاطرنشان می‌کند که گذشته همواره به بازنویسی نیاز دارد؛ «ما به گذشته نگاه می‌کنیم و به ناچار دربارهٔ خودمان چیزی می‌نویسیم»^۴ (Samuel 1985). جان برویلی، ضمن اذعان به گستردگی و دشواری ارائهٔ تعریفی از این مقوله، به سه دیدگاه بسیار متفاوت در این خصوص اشاره می‌کند:

الف) تاریخ آداب و رسوم، سرگرمی‌ها، و طیف وسیعی از فعالیت‌های اجتماعی است که در خارج از نهادهای سیاسی، اقتصادی، و نظامی، که دغدغهٔ خاطر نوعی خاص از تاریخ بود، صورت می‌پذیرد؛

ب) تاریخ جامعه‌محور (societal history)، این طرز تفکر این گونه است که انواع خاص تاریخ، اعم از تاریخ سیاسی، اقتصادی، و نظامی، هرکدام تنها یک جنبهٔ از تاریخ را مطالعه می‌کنند و برای درک کلیت جامعه نیازمند گردآوری انواع تاریخ در یک چهارچوب واحد هستیم و این امر وظیفهٔ تاریخ جامعه‌محور است؛

پ) تاریخ افراد جامعه به جای تاریخ یک «جامعه به عنوان یک کل» (society as a whole).

در نگاه یونگر در تاریخ اجتماعی کنونی میل به داده‌های قابل‌سنجش افزایش یافته است و ظهور تکنولوژی‌های جدید نیز نقش بسیاری داشته‌اند. در نگاه او یکی از نقاط قوت تاریخ اجتماعی امروزی، کوشش متخصصان در زمینه‌هایی مانند تاریخ قانون و به‌کارگیری آن، پزشکی، صنعت، بازرگانی، حمل‌ونقل، و ... است (ibid.).

دیوید کانادین مشهورترین و موردانتقادترین تعریف از تاریخ اجتماعی را از آن جی. ام. ترولین (G. M. Trevelyan) می‌داند^۵ که از نگاه او عبارت است از: «تاریخ مردم با کنار گذاشتن سیاست». دیدگاه وی به سبب عدم آشنایی وی با نظریه اجتماعی انتقاد بسیاری را برانگیخته است. باین که امروزه بیش تر مورخان اجتماعی به‌طور ضمنی و یا صراحتاً تعریف وی را رد می‌کنند، کسانی که کتاب وی را به دقت مطالعه می‌کنند، از وسعت بینش و روزآمدی ادراک او درباره موضوع به‌وجد می‌آیند. در نظر او تاریخ اجتماعی شامل روابط انسانی و اقتصادی طبقات مختلف، مشخصه‌های زندگی خانوادگی، شرایط کار، نگرش انسان به محیط، و نیز تأثیر همه این امور بر فرهنگ یعنی دین، معماری، ادبیات، موسیقی، اندیشه، و ... است. کانادین مشکل اصلی در تعریف چستی تاریخ اجتماعی را فقدان یک مرکزیت فکری و منسجم می‌داند؛ مثلاً تاریخ سیاسی به قدرت می‌پردازد و تاریخ اقتصادی به پول، پس تاریخ اجتماعی نیز مطالعه‌ای درباره طبقه است؟ اگر پاسخ مثبت باشد، طبقه چیست؟ آیا هیچ توافق نظری در این زمینه وجود دارد؟ (ibid.).

ریموند هریسون در تعریف تاریخ اجتماعی می‌گوید: افراد کمی هستند که بدانند تاریخ اجتماع چیست؟ اما در مورد آن چه نیست، اتفاق نظر دارند. زندگی‌نامه درباره یک نفر است، اما تاریخ اجتماعی درباره بیش از یک نفر است. به علاوه، درباره کسانی است که ناشناخته بوده‌اند و اهمیت سیاسی ندارند. واپسین نقل از این مقاله پاسخ‌های جی. سی. دی. کلارک است. در نظر او سیاست تاریخ سیاسی، جنگ تاریخ نظامی، و کلیسا تاریخ دینی را تولید می‌کند. با این مقدمه، اما «تاریخ اجتماعی» اصطلاحی بسیار وسیع است. استفاده از کنش «اجتماعی» برای تعریف یک گونه بسیار کلی است (ibid.).

اریک جی. ایوانس (Eric J. Evans)، در مقاله‌ای با عنوان «تاریخ اجتماعی» (Social History)، ضمن اشاره به بحران هویتی تاریخ اجتماعی در سده بیست و یکم میلادی، خاطرنشان می‌کند که نیمه دوم این سده دوران شکوفایی تاریخ اجتماعی در برنامه‌های درسی و تاریخ‌نگاری بوده است.

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملّایی توانی) ۲۵۹

(<https://www.archives.history.ac.uk/makinghistory/themes/social_history.html>).

در نگاه او، تاریخ اجتماعی که گاه «تاریخ مردم» (history of the people) یا «تاریخ از پایین» (history from below) معرفی می‌شود، به مثابه جای‌گزینی برای تاریخ متعارف سیاسی است.^۶ تاریخ اجتماعی در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم به‌ویژه از سوی ادوارد تامپسون (Edward Thompson) و در گروه‌های تاریخ اجتماعی و اقتصادی بسیار تکثیر شد.^۷

پاتریک جویس در مجله گذشته و آینده (Past & Present)، طی مقاله «اجتماعی در تاریخ اجتماعی چیست؟» ("What is the Social in Social History?") به‌جای ارائه تعریفی از تاریخ اجتماعی در جست‌وجوی توضیح اجتماعی برآمده است و این مقاله زمینه‌های آغاز و نیز تفاوت‌های تاریخ اجتماعی و تاریخ فرهنگی را برشمرده است، این مسئله خبر از پیش‌گامی او در برابر دیگر هم‌قطارانش است (بنگرید به Joyce 2010). کریستوف کنراد (C. Conrad) اصطلاح تاریخ اجتماعی را از یک سو «رشته‌ای فرعی از علوم تاریخی» و از سوی دیگر «رویکردی عام به تاریخ» می‌داند (بنگرید به کنراد ۱۳۹۴: ۳۶). یورگن کوکا (Jurgen Kocka) هم، مانند کنراد، دو معنا را از تاریخ اجتماعی درک می‌کند:

الف) تاریخ اجتماعی به مثابه یک زیررشته تخصصی که بر ساختارها، فرایندها، و کنش‌های اجتماعی به معنایی خاص تمرکز دارد، درمقابل زیررشته‌های دیگری مانند تاریخ اقتصادی، تاریخ قوانین اساسی، یا تاریخ اندیشه‌ها؛

ب) تاریخ اجتماعی، به مثابه ره‌یافتی مشخص یا شیوه نگریستن به تاریخ عمومی، با تأکید بر ساختارها و فرایندهای گسترده و هم‌چنین آن دسته از سویه‌های واقعیت تاریخی که تاریخ اجتماعی در معنای بالا به آن‌ها اهمیت می‌دهد (کوکا ۱۳۹۴: ۶۰، ۶۱).

واپسین تعریف از تاریخ اجتماعی متعلق به ابراهیم موسی‌پور بشلی است. موسی‌پور یکی از دغدغه‌مندان تاریخ اجتماعی نوین در ایران است و تاکنون آثار فراوانی را در این زمینه ترجمه و تألیف کرده است. بنابر تعریف او، به‌طور کلی تاریخ اجتماعی سه حوزه روابط مردم با مردم، مردم با حکومت، و مردم با زیست جهان مادی - معنویشان را بررسی می‌کند (موسی‌پور ۱۳۸۶: ۱۴۳-۱۴۷).

درواقع، در پایان تعاریف مورداشاره از تاریخ اجتماعی، نظرهای گوناگون درخصوص تعریف این پدیده را می‌توان بدین‌سان صورت‌بندی کرد که تعاریف موجود دارای چند اصل هستند: الف) نفی امر سیاسی؛ ب) درک امر اجتماعی؛ پ) تأکید بر جنبه‌های اجتماعی (روایت اجتماعی)؛ ت) تأکید بر امور کمی (جدول ۱).

جدول ۱. ابعاد اصلی در تعاریف موجود در تاریخ اجتماعی

ر	ره یافت تاریخ اجتماعی	تاریخ اجتماعی	تاریخ سیاسی	تاریخ اقتصادی	تاریخ فرهنگی	تاریخ اجتماعی	تاریخ سیاسی	تاریخ اقتصادی	تاریخ فرهنگی	تاریخ اجتماعی	تاریخ سیاسی
۱	نهی امر سیاسی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۲	درک امر اجتماعی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۳	تأکید بر جنبه‌های اجتماعی (روایت اجتماعی)	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*
۴	تأکید بر امور کمی	*	*	*	*	*	*	*	*	*	*

۴. برآمدن یک تاریخ‌نگاری نوین

تا پیش از برآمدن گونه‌های جدید تاریخ‌نگاری در غرب، تاریخ سیاسی و دیپلماتیک مهم‌ترین تاریخ‌نگاری موجود بوده‌اند. تاریخ‌نگاری سیاسی، نظامی، و دیپلماتیک پرحجم‌ترین و معمول‌ترین نوشته‌های تاریخی را شامل می‌شدند و ذیل مقوله «برخورد» طبقه‌بندی می‌شده‌اند. توضیح این لازم نیست که تمامی گزارش‌های تاریخی از یونان باستان تا فون رانکه (Leopold von Ranke 1795-1886) و از فون رانکه تا آنال‌های (The Annales/ Les Annales) فرانسوی برخوردارهای قومی، دینی، ملی، و ... به برخورد دو نیرو می‌پردازند (بنگرید به موسی‌پور ۱۳۸۶: ۱۴۴). در این میانه، شاید ره یافت رانکه‌ای وقته‌ای (Moment) مهم برای تاریخ و تاریخ‌نگاری باشد. درمقابل، براساس دانسته‌های ما تاریخ اجتماعی را می‌توان ذیل مقوله «تعامل» طبقه‌بندی کرد، تعاملی بینارشته‌ای (interdisciplinary) برای درک، توضیح، و تبیین تحولات و تغییرات اجتماعی (بنگرید به Stoianovich 1994: 48-50).

در دوران پس از وستفالی (Peace of Westphalia 1648) که به‌مرور دولت-ملت (state-nation) ها شکل گرفتند، توجه به تاریخ سیاسی مدام افزایش یافت؛ چراکه تاریخ‌نگاری با رجوع به گذشته همواره این نقش را ایفا کرده که راهی را برای آینده دولت ملی یا مقتدر و بعدتر دولت‌های اقتدارگرا (authoritarianism) فراهم آورد. توجه و علاقه بسیاری از رهبران اقتدارگرا به تاریخ البته تاریخی التقاطی درجهت قدرت‌گیری و سرکوب مخالفان، ازجمله ناپلئون بناپارت (Napoléon Bonaparte 1769-1821) و یا دستورهای استالین (Stalin 1878-1953) درخصوص تاریخ‌سازی برای جوامع شرقی در «مباحثات لنینگرا»^۱ و ...، مؤید این مدعاست. تاریخ‌نگاری سیاسی پیوند وثیقی با مناسبات دولت-ملت دارد و طبیعی است که درحین تکوین و قوت‌یابی دولت-ملت تاریخ‌نگاری به‌مدد آن تعجیل کند و متقابلاً دولت-ملت بر شالوده تاریخ و تاریخ‌نگاری قوام یابد.

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۶۱

طبیعتاً، تاریخ‌نگاری اجتماعی براساس ماهیت اجتماعی و نیز ابتدای آن بر امر اجتماعی پس از هویداشدن مناسبات دولت-ملت و برآمدن امر اجتماعی ظهور و بروز یافت؛ یعنی اساساً امکان تأسیس تاریخ اجتماعی تا پیش از استقرار دولت‌های ملی وجود نداشت؛ زیرا با استقرار دولت‌های ملی است که سوژه اجتماعی (درون مناسبات دولت-ملت) شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر، پیوستگی با جامعه یا پذیرفته‌شدن در جامعه، که با تبدیل رعیت به شهروند صورت گرفت، دروازه ورود مردمان به مناسبات اجتماعی جدید برای خلق امر اجتماعی بوده است؛ روندی شبیه آیین غسل تعمید (baptism) مسیحیان که در جریان آن مولود و یا نوکیش (convert) مسیحی به جرگه امت عیسوی می‌پیوندد.

در تاریخ‌نگاری‌های پیش از سده بیستم میلادی مرجعی در تاریخ معرفی می‌شد: گاه یک قومیت (مانند قوم یهود برای یهودیان)، گاه یک مرجع دینی (مانند امت مسلمان برای مسلمانان)، یا یک جغرافیای خاص (ارض موعود)، اما از سده بیستم میلادی به بعد کلیه این امور با دولت-ملت جای‌گزین شدند. درواقع، تاریخ و تاریخ‌نگاری اجتماعی پس از چند جابه‌جایی بود که در سپهر سیاسی جهان غربی پدیدار شد:

الف) تبدیل رعیت به شهروند؛

ب) برآمدن امر اجتماعی درمقابل امر سیاسی؛

پ) امکان کنش‌گری مردم به‌جای نخبگان؛

ت) تبدیل سلطنت به جمهوری.

تبدیل سلطنت به جمهوری در فرانسه و نیز تحولات استقلال‌طلبانه آمریکا نخستین نمونه‌های کنش‌گری مردم و یا به عبارت صحیح‌تر توده‌های مردمی دربرابر نظام سیاسی بوده‌اند. آغاز جمهوری و برگزاری انتخابات عمومی «برای نخستین بار تعارض میان حاکمیت برابر همگان و وضعیت مدنی نازل و غم‌بار عده‌ای را آشکار ساخت؛ تعارض میان حال‌وروز کسانی که به‌تازگی به ظرفیت سیاسی دست یافته بودند و وضعیت شبه‌بردگی اقتصادی‌ای که در آن به‌سر می‌بردند» (دونزلو ۱۳۹۵: ۶۷) و جالب این‌که در همین دو نقطه، یعنی فرانسه و آمریکا، نخستین ریشه‌های علاقه به تاریخ اجتماعی نیز پدیدار شدند.

هم در فرانسه و هم در آمریکا چشم‌انداز نوینی برای این دو ملت تعین یافته بود، بنابراین تاریخ‌نگاری نوینی نیز زاده شد؛ تاریخ‌نگاری‌ای که برگرده مردم استوار بود و این درحالی بود که مهاجران اروپایی فوج‌فوج به‌سوی آمریکا می‌آمدند و همین توده‌های جدید درپی طرح

جدیدی از گذشته خود نیز بودند. در آمریکا طی این دوران جامعه در حال تکثیر یافتن بود و به تبع آن نیز تاریخ‌نگاری هم چنین وضعیتی داشت؛ در همین دوران در ایتالیا، آلمان، و برخی کشورهای دیگر جنبش فاشیسم (Fascism) در حال نضج گرفتن بود و به طریق اولی تاریخ‌نگاری بر مبنای ایدئولوژی فاشیسم و نازیسم (Nazism) در حال گسترش بود (بنگرید به نولته ۱۳۹۶: ۹۵-۶۱)، البته در آلمان نیز طی دهه‌های آغازین سده بیستم میلادی تاریخ اقتصادی- اجتماعی ظهور و بروز یافت.^۹

۵. آغاز تاریخ اجتماعی در فرانسه

پس از تفوق مکتب رانکه‌ای در تاریخ‌نگاری، نخستین نغمه‌هایی که خبر از مخالفت با جریان رسمی تاریخ می‌داد، به دستان ژول میشله (Jules Michelet 1798-1874) و یاکوب بورکه‌هارت (Jacob Burckhardt 1818-1897) در اواخر سده نوزدهم میلادی نواخته شد. میشله مورخان را به ثبت و ضبط «تاریخ فرودستان» یا «تاریخ آن‌هایی که رنج کشیده، کار کرده، و مرده‌اند، بی‌آن‌که توانا به شرح رنج‌هایشان» باشند، فرامی‌خواند و بورکه‌هارت نیز تاریخ را کنش و واکنش حکومت، دین، و فرهنگ می‌دانست، پس از این دو تن مورخ و باستان‌شناس فرانسوی، فوستل دوکولانژ (Denis Fustel de Coulanges 1830-1889)، با شهر باستانی: مطالعه‌ای درباره دین، حقوق، و نهادها در یونان و روم (*La Cité Antique: Étude sur le Culte, le Droit, les Institutions de la*) به جای سیاست و رخدادهای تاریخ دین بر خانواده و نظام‌های اخلاقی تأکید ورزید (بنگرید به برک ۱۳۸۹: ۱۸، ۱۹). در این میانه، نباید از نقش امیل دورکیم (Émile Durkheim 1858-1917) و خلف او فرانسوا سیمیاند (François Simiand 1873-1935)، که مدعی درآویختن با سه «بت قبیله‌ای مورخان» سیاست، فردیت، و روی‌دادنگاری بود، غافل شویم.

ماحصل چنین ره‌یافتی این بود که فعالیت‌های اقتصادی، نظام‌های اجتماعی، و روان‌شناسی مردمان به جای روی‌دادهای تاریخی به سوژه‌ای برای مطالعه مورخ تبدیل شد؛ در این مسیر جامعه‌شناسی نوپای دورکیمی که ادعای کشف قوانین حاکم در پدیده‌های اجتماعی را داشت نیز به پشتوانه‌ای نظری برای تولد مکتب آنال تبدیل شد (بنگرید به انتخابی‌فرد ۱۳۹۱). در استراسبورگ لوسین فور (Lucien Febvre 1878-1956) و مارک بلوخ (Marc Bloch 1886-1944) در ژانویه سال ۱۹۲۹ سال‌نامه تاریخ اقتصادی و اجتماعی (*Annales d'Histoire Économique et Sociale*) را تأسیس کردند. مورخان این نسل در پی رهایی تاریخ از آفت «تاریخ‌زدگی» یا رهایی از جریان تاریخ نویسی رایج بودند. تا پیش از آغاز نسل اول مکتب آنال، مورخان فرانسوی

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۶۳

مطالعه موضوعات جدید مانند زندگی کشاورزی و فرهنگ مادی مردمان عادی در دوره های میانه و نیز اوایل دوران مدرن را آغاز کرده بودند (بنگرید به استرنز ۱۳۹۴: ۲۶).

فور و بلوخ هر دو تحت تأثیر پژوهش گران آلمانی بودند و حتی نام آن را نیز از فصل نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی (Vierteljahrschrift für Sozial- und Wirtschaftsgeschichte/ VSWG) زیر نظر لودو موریتس هارتمان (Ludo Moritz Hartmann 1865-1924) و گئورگ فون بلو (Georg Von Below 1858-1927)، محقق محافظه کار دوره میانه، وام گرفتند. رهیافت اصلی مجله شورشی در برابر تاریخ نگاری مرسوم یعنی «تاریخ جهانی غیرملی» بود. با این حال، رهیافت این مجله پس از سال های جنگ جهانی دوم دچار تغییراتی شد؛ زیرا به جای اتکای صرف بر تاریخ اقتصادی و اجتماعی بیش تر به پژوهش های شهری و تحلیل های کمی پرداخت (بنگرید به کنراد ۱۳۹۴: ۳۹).

لوسین فور در رساله دکتری و نخستین کتاب خود با عنوان فیلیپ دوم و فرانش کنته: مطالعه تاریخ سیاسی، دینی، و اجتماعی (Philippe II et la Franche-Comté: Étude d'histoire Politique, Religieuse et Sociale)، که در سال ۱۹۱۱ م منتشر شد، عناصری مانند دولت، بزرگان، نخبگان، و ... را به حاشیه راند و توجهاتی را به زیست جامعه نشان داد. مارک بلوخ نیز در مشهورترین اثر خویش، جامعه فئودالی (La Société Féodale)، تحولات چهار سده اروپا را بررسی کرد. در حالی که تأثیر دورکیم و مکتب جامعه شناسی کلاسیک در آثار فور و بلوخ قابل مشاهده بود، نسل اول آنال بیش تر در پی بررسی در احوالات اجتماعی جوامع روستایی و اسناد ادبی بودند و ردپایی از پژوهش های کمی تا دهه ۱۹۵۰ م به چشم نمی خورد (بنگرید به هنر تا ۱۳۹۴: ۹۹، ۱۰۰).

تمرکز مورخان آنال بر سده های میانه و سده های منتهی به دوران مدرن این باور را به وجود آورد که عمده آن ها بر تاریخ قدیم تمرکز داشته اند، در حالی که ایشان هیچ گاه دوره مدرن را کاملاً فراموش نکردند (ایگرس ۱۳۹۶: ۸۳). درباره ماهیت مکتب آنال و «چیستی» رهیافت های آنان سخن بسیار است. در این جا با ذکر دو نمونه این بخش را به پایان می بریم.

پیتر برک در خصوص مشخصات این نحله سه مشخصه را ذکر می کند: الف) «جای گزینی تاریخ تحلیلی مسئله گرا به جای روایت سنتی رخدادها»؛ ب) «تاریخ تمام شمول فعالیت های انسانی جای تاریخ سیاسی بسیار مهم را گرفت»؛ پ) «برای دستیابی به اهداف اول و دوم، با دیگر رشته ها هم چون جغرافیا، جامعه شناسی، روان شناسی، اقتصاد، زبان شناسی، انسان شناسی اجتماعی، و غیره همکاری کرد» (برک ۱۳۸۹: ۱۲). هیو آر. ترور-روپر (Hugh R. Trevor-Roper 1914-2003) نیز در پاسخ به پرسش «فلسفه مکتب آنال چیست؟» سه عنصر را از هم تمیز داده

است: «نخست استفاده از کمی سازی است، برای کاستن از گستره عدم درک و کج فهمی از طریق تحلیل های آماری دقیق»؛ دوم، تلاش آنال ها برای «فهمیدن و فراچنگ آوردن کلیت»، و سوم «پیوستگی اساسی هر دوره تاریخی، از طریق مشخص ساختن و ترسیم همه ساختارهای آن» (هنر تا ۱۳۹۴: ۹۹).

شاید گزافه نباشد که مهم ترین دستاورد مورخان مکتب آنال را دگرگون کردن مفهوم زمان در فاهمه تاریخی دانست. درواقع، تبیین نسبت در زمان تاریخی معنایی است که پس از برآمدن مکتب آنال فهم شده است؛ چراکه تا قبل از آن ها زمان و به طریق اولی زمان تاریخی مفهومی صلب و لایتغیر بود که گویی همگان درخصوص فهم آن اشتراک نظر داشتند و هیچ شکی نیز درباره آن وجود نداشت. نکته قابل توجه این جاست که هرچه به پایان سده بیستم میلادی نزدیک می شویم، شاهد این هستیم که قوانین کلی دانشمندان کلاسیک علوم اجتماعی درحال رنگ باختن است و هرچه این قوانین کلی ضعیف تر می شود، ره یافت های آنال بیش تر مورد توجه قرار می گیرند.

۶. آغاز تاریخ اجتماعی در آمریکا

باین که تاریخ اجتماعی با آغاز تاریخ نگاری مکتب آنال شناخته می شود، باید اشاره کرد که نطفه نخست تاریخ نگاری اجتماعی، در معنای تاریخ فرودستان، تاریخ اقلیت ها، تاریخ خرد، و ...، در آمریکا بوده است، هرچند که بعدتر تحت تأثیر مکتب آنال و جریان های موجود در اروپا، مانند مارکسیست های انگلیسی، تاریخ اجتماعی آمریکایی نیز بسیار فربه تر و علمی تر شده است. با نضج گیری نهادهای دموکراتیک در آمریکا و رشد حس تعلق خاطر به محل زندگی نگارش تاریخ محلی و منطقه ای رشد می یابد، این نوع تاریخ نگاری عمدتاً بر مفاهیمی چون جنگ داخلی، نژاد، قوم، و جنسیت استوار بود (بنگرید به محمدپور ۱۳۹۶: ۲۱۳).

به گفته استرنز «تاریخ اجتماعی، همانند رشته مادر خود [تاریخ] همواره به شدت مکان محور بوده است» (استرنز ۱۳۹۴: ۸۶). مکان محوری نیز در اقبال به تاریخ خرد در آمریکا قابل مشاهده و ردیابی است. ازسوی دیگر، هم آمریکا و هم انگلستان که میراث داران سنت فلسفی تجربه باوری بوده اند، دریافت ها و برداشت هایی از جامعه داشتند که عمدتاً مستقل از بدنه دیوان سالارانه دولتی بود و همین استقلال موجب شده بود تا تهیه کنندگان اولیه تاریخ اجتماعی راحت تر بتوانند از مردم و زندگی روزانه بگویند و شاید همین مسئله نیز باعث شده بود که این

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۶۵

افراد، برخلاف همکاران خود در اروپای قاره‌ای، به جای توجه و علاقه به تبیین‌های بزرگ و فراگیر تاریخ خرد را وجهه همت خود قرار داده بودند (بنگرید به ایگرس ۱۳۹۶: ۵۹).

تاریخ‌نگاری آمریکایی در واپسین سال‌های سده نوزدهم میلادی کماکان به تاریخ سیاسی تعلق خاطر داشت. از آغاز سده بیستم میلادی تاریخ‌نگاری در آمریکا نیز دچار تحولاتی شد. تاریخ‌نگاری آغاز سده بیستم آمریکا با مدرنیته هم‌دل بود و آغوش خود را برای نظم جدید اجتماعی گشود و پژوهش‌های تاریخ اجتماعی پس از سال‌های جنگ جهانی دوم به‌مرور به‌سوی روش‌های کمی به پیش رفت. مهم‌ترین ماحصل نگاه کمی به تاریخ اجتماعی در آن سال‌ها پروژه عظیم تاریخ/اجتماعی فیلادلفیا (*Philadelphia Social History Project/ PSHP*) از تئودور هرشبرگ (Theodore Hershberg 1941) بود که قرار بود با مددجستن از اطلاعات آماری و سرشماری به پردازش اطلاعات اجتماعی فیلادلفیا در سده نوزدهم میلادی بپردازد. درواقع، توجه به امور کمی یکی از مهم‌ترین فصول تمایز تاریخ اجتماعی آمریکا در دهه‌های ۱۹۶۰ م به بعد در قیاس با تاریخ اجتماعی دهه ۱۹۳۰ م بود که عمدتاً به گردآوری داده‌ها علاقه‌مند بود (بنگرید به ایگرس ۱۳۹۶: ۶۳).

به‌باور ایگرس (Iggers) این تاریخ جدید، که به کمیت‌ها معطوف بود، چهار فرض مبنایی داشت: الف) قوانین معتبر عامی بر رفتارهای اقتصادی حاکم هستند که با قوانین بیان شده از سوی اسمیت (Adam Smith 1723-1790) و ریکاردو (David Ricardo 1772-1823) انطباق دارند؛

ب) وجه مشخصه اقتصاد سرمایه‌داری رشد دائمی است؛

پ) فرایند مدرن‌سازی اقتصادی درنهایت به مدرن‌سازی سیاسی می‌انجامد؛

ت) روش کمی را نه تنها در فرایند اقتصادی، بلکه در فرایند اجتماعی نیز می‌توان به‌کار برد (همان: ۶۹).

به‌طور کلی، در اروپا پژوهش‌های تاریخ اجتماعی بر دو شیوه استوار بودند، «آنال‌های فرانسوی و مارکسیست‌های انگلیسی» (هنر تا ۱۳۹۴: ۹۷)، اما در آمریکا مورخان اجتماعی رهیافت‌های نظری مارکسیستی را رد می‌کنند. هنر تا (Henretta) اکراه و احتراز مورخان اجتماعی آمریکایی از پذیرش مفروضات مورخان مکتب آنال و مارکسیست‌های انگلیسی را ناشی از تجربه تاریخی بسیار متفاوت آنان از مورخان اروپایی می‌داند (همان: ۱۱۴). درواقع، روند موجود در تاریخ اجتماعی در آمریکا مبتنی بر دقت علی در روش‌های پژوهش کمی و مهارت تحلیلی در نظریه، در نظریه‌های علوم اجتماعی، است؛ زیرا این زمینه محل مشارکت

«گروه‌های - کلیومترست‌ها، نظریه پردازان اجتماعی میان‌رشته‌ای، و دموکرات‌های اجتماعی انتقادی‌اندیش، با رهیافت‌های اغلب مکمل و گاه متناقض نسبت پژوهش‌های تاریخی است» (همان: ۹۶).

۷. رهیافت‌های جدید در تاریخ اجتماعی

تاریخ اجتماعی همانند سایر زمینه‌های پژوهشی در سال‌های پایانی سده بیستم میلادی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو شد، اگرچه توجه به تاریخ خرد از همان آغاز قابل مشاهده بود، در اواخر این سده، تاریخ اجتماعی بر مبنای اسناد تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای جامعه‌شناسی تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای جغرافیای تاریخی، تاریخ اجتماعی بر مبنای فرهنگ جوامع، تاریخ اجتماعی بر مبنای تاریخ اقتصادی، و ... هم به انواع تاریخ اجتماعی افزوده شد، اما گونه دیگری که در این دوران شهرت یافت و تداوم تاریخ خرد به‌شمار می‌آمد، تاریخ «زندگی روزمره» بود.

افول «باور به مثبت‌بودن نیروی مدرن‌سازی» (ایگرس ۱۳۹۶: ۱۴۱)، رشد مطالعات پسااستعماری (post-colonialism)، و شیوع نگرش پست‌مدرنیسم (postmodernism) در جهان را می‌توان از دلایل این میل جدید قلمداد کرد. به‌باور ارنست نولته (Ernst Nolte 1923-2016) سده بیستم میلادی دوران ایدئولوژی‌های خشن از جمله فاشیسم، کمونیسم (Communism)، و ... است (بنگرید به نولته ۱۳۹۹). طبیعی است که در عصر ایدئولوژی‌های خشن و بزرگ، که بسیار نیز در آن روزگار فراگیر بوده‌اند، تاریخ‌نگاری‌های کل‌گرا و سیاسی بسیار پررونق شده باشند. از اواسط سده بیستم میلادی این ایدئولوژی‌های فراگیر یکی پس از دیگری شکست خوردند و اقبال به آن‌ها با شکست مواجه شد، لذا با شکست ایدئولوژی‌های بزرگ و تاریخ‌نگاری‌های سیاسی - ایدئولوژیک انواع جدیدی از تاریخ‌نگاری از جمله تاریخ اجتماعی، تاریخ خرد، و ...، که برخلاف تاریخ سیاسی مستظهر به نیروی کف جامعه بودند، ظهور و بروز یافت.

با این حال، یکی از سرچشمه‌های اصلی تاریخ اجتماعی اندیشه مارکسیسم بود؛ زیرا اندیشه مارکسیسم به‌جز عینیتی که در عالم سیاست به‌بار نشست، دارای طرحی کلی برای تاریخ بود یا به عبارت دیگر توانسته بود تا روایت تاریخ جهانی خود را از «چگونگی» جهان تاحد زیادی تبیین کند؛ کاری که در جنبش‌های فاشیستی به‌بار نشست. مارکسیسم روایت تاریخ جهانی خود را از منظر اقتصاد بیان می‌کند؛ چراکه کارل مارکس اقتصاددانی مبرز بود. بنابراین، تاریخ

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۶۷

اقتصادی و به تبع آن تاریخ اجتماعی ای که مبتنی بر توزیع ثروت، امور کمی اقتصادی، و ... بود، در آغوش اندیشه مارکسیسم متبلور شد. از نگاه یورگن کوکا، اندیشه های مارکسیستی و نظریه های وبری تا دهه ۱۹۷۰ م تقویت کننده های تاریخ اجتماعی بوده اند و از همین روی بوده است که «در توضیح تغییرات اجتماعی و سیاسی و فرهنگی اغلب وزن چشم گیری به انواع مختلف عوامل اقتصادی نسبت داده می شود» (کوکا ۱۳۹۴: ۶۳).

هنر تا اخذ ره یافت های مارکسیستی در تاریخ را به مثابه تصدیق نقد مارکسیسم بر سرمایه داری تفسیر می کند و این معنا را متضمن چهار قضیه می داند:

الف) نخستین اصل تحلیلی بیان می کند که نظام تولیدی از اهمیتی حیاتی در زیست یک جامعه برخوردار است؛

ب) روابط اجتماعی تولید در تقسیمات طبقاتی آشکار می شود؛

پ) سومین اصل بنیادین مارکسیستی تغییر و تضاد را ویژگی های بنیادین واقعیت اجتماعی می داند و تغییر تاریخی را براساس فرایندی دیالکتیکی تبیین می کند که نخستین بار هگل ویژگی هایش را تشریح کرد؛

ت) آخرین قضیه می گوید روابط اجتماعی سرمایه داران مرد و زن را از کارشان و از خود درونی شان بیگانه می کند (هنر تا ۱۳۹۴: ۱۰۷).

در نگاه ما، تاریخ اجتماعی محلی و سایر انواع تاریخ نگاری بدیلی در برابر تاریخ سیاسی موجود و یا آنچه کوکا آن را تاریخ متعارف (conventional history) می نامد، است. ظاهراً، این مفروض پیش تر در خصوص تاریخ محلی به نقل از آن لمبتون (Ann Lambton 1912-2008) گفته شده است (بنگرید به آژند ۱۳۸۰)، اما این فرضیه در خصوص تاریخ اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، و اساساً در برابر هر بدیلی برای تاریخ سیاسی و همان تاریخ متعارف یا رایج نیز صدق می کند و بر این مطلب یورگن کوکا نیز صحنه گذاشته است. به باور او تا دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ م چنین وضعیتی وجود داشته است. به گفته او، در آغاز تاریخ اجتماعی روش هایی را که در تاریخ مغفول بوده است، مورد توجه قرار داده و به مرور این روش تاریخ نگاری توانسته است راهی را در میان مخالفان خود نیز باز کند (بنگرید به کوکا ۱۳۹۴: ۶۸).

و اما در پایان تعاریف و ره یافت های موجود در خصوص تاریخ اجتماعی بایسته است تا به دیدگاه استرنز در خصوص «چگونگی» وضعیت کنونی تاریخ اجتماعی اشاره ای کنیم. وی می گوید:

اگر برخی از عجولانه‌ترین امیدهای اولیه محقق نشده است؛ یعنی اگر هنوز تاریخ به‌طور کلی به تاریخ اجتماعی یا نسخه‌ای اجتماعی-تاریخی از کل تاریخ بدل نشده و هنوز دوره‌بندی اجتماعی-تاریخی جانشین دوره‌بندی متعارف و معمولاً سیاسی نشده، ولی این رشته دگرذیسی یافته است. حفظ این دگرذیسی شایسته و نیازمند این است که به‌صورت دوره‌ای به‌جایگاه تاریخ اجتماعی به‌روز شود (استرنز ۱۳۹۴: ۷۶).

۸. جمع‌بندی آرا

در این بخش سرِ آن داریم تا کلیه تعاریف ارائه‌شده را جمع‌بندی کنیم و براساس آنچه تاکنون از دانشوران این حوزه نقل کرده‌ایم، آبخوره‌های اصلی و حوزه‌های تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی را معرفی کنیم و سپس با ارائه جدولی از تعاریف موجود (جدول ۲) اجزای تشکیل‌دهنده این شاخه دانش را نیز بازگو کنیم.

آبخوره‌های اصلی این حوزه دانشی در معنای زمینه‌های نضج آن چهار رشته جغرافیای تاریخی (historical geography)، تاریخ اقتصادی، روان‌شناسی اجتماعی (social psychology)، و جامعه‌شناسی تاریخی (historical sociology) هستند (بنگرید به شکل ۱)، بدون شک درکنار موارد گفته‌شده تاریخ سیاسی، تاریخ نظامی، علوم سیاسی، و بسیاری از رشته‌های دیگر را نیز می‌توان به این سیاهه اضافه کرد (بنگرید به شکل ۲). از آن جاکه مفروض ما در تعریف تاریخ اجتماعی فاصله‌گرفتن از تاریخ سیاسی مرسوم بوده است، این چهار زمینه را مهم‌ترین شاخه‌های دانشی برای تبیین «چیستی» ماهیت تاریخ اجتماعی در مطالعات تاریخی مهم‌تر قلمداد کرده‌ایم. ناگفته پیداست که ارائه هر تعریفی از این چهار رشته نیز همانند تاریخ اجتماعی تاحد زیادی دشوار است، اما ناگزیریم تا از هریک تعریفی، هرچند مختصر، ارائه کنیم.

جغرافیای تاریخی: در این شاخه دانشی تأثیر محیط جغرافیایی در وقایع تاریخی بررسی

می‌شود. به‌طور کلی جغرافیای تاریخی با برآیند چهار عنصر انسان، زیست، فضا، و زمان سروکار دارد و این چهار بخش تشکیل‌دهنده دانش جغرافیای تاریخی هستند (بنگرید به رهنمایی ۱۳۹۹؛ ماخانی ۱۴۰۱). همین‌طور که قبل‌تر نیز نشان داده‌ایم، بسیاری از دانشوران تاریخ اجتماعی، از جمله آنالی‌های نسل اول، توجه خاصی به جغرافیای تاریخی داشته‌اند (بنگرید به بیکر ۱۳۹۲؛ رهنمایی ۱۳۹۹).

تاریخ اقتصادی: روند مطالعه اقتصاد و هر پدیده اقتصادی در بستر زمان تاریخ اقتصادی

است. در بررسی‌های تاریخ اقتصاد عمدتاً با استفاده از روش‌های تاریخی — آماری روایتی از

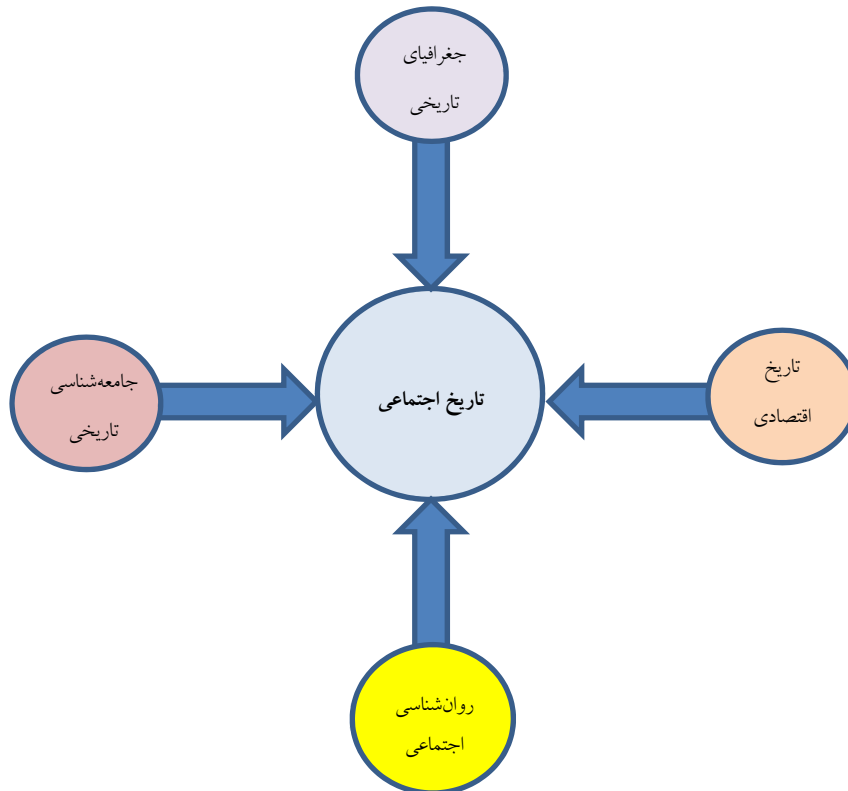
تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۶۹

وضعیت اقتصاد در یک دوره تاریخی ارائه می‌شود. مطالعات تاریخ اقتصادی را می‌توان در موضوعاتی از جمله اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، اقتصاد سیاسی، و ... به‌کار گرفت. تاریخ، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، و آمار از رشته‌هایی هستند که در مطالعات تاریخ اقتصادی بسیار کارایی دارند. تاریخ اقتصادی اشتراکات فراوانی با تاریخ اجتماعی دارد؛ چراکه اساساً اقتصاد پدیده‌ای اجتماعی است، اما در تاریخ اجتماعی پژوهش‌گر مسائلی را فراتر از اقتصاد بررسی می‌کند (بنگرید به Hangan 1994: 287-289).

روان‌شناسی اجتماعی: روان‌شناسی اجتماعی یک مطالعه علمی و روش‌مند درباره شیوه‌های فکرکردن، احساس‌کردن، و رفتارکردن انسان‌ها در برابر دیگران است. شاخه‌های دانشی دیگری نیز هستند که بسیار به روان‌شناسی اجتماعی نزدیک‌اند و با آن در برخی نقاط هم‌پوشانی دارند؛ از جمله تاریخ، روان‌شناسی عمومی، جامعه‌شناسی، و مردم‌شناسی. مهم‌ترین تفاوت بین روان‌شناسی اجتماعی با مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی این‌جاست که در روان‌شناسی اجتماعی رفتار یک فرد به عنوان عضوی از گروه یا در مجاورت گروه یا در تعامل با گروه موردتوجه قرار می‌گیرد، درحالی‌که در مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی بیش‌تر به رفتار گروه‌های انسانی توجه می‌شود. روان‌شناسی اجتماعی، که یکی از آبخش‌های اصلی تاریخ اجتماعی است، همانند تاریخ اجتماعی بر امر اجتماعی ابتدا دارد، با این تفاوت که پژوهش‌گر تاریخ اجتماعی با مدد از روان‌شناسی اجتماعی، اما با یک روش‌شناسی متفاوت، در پی طرح‌ریزی روایتی اجتماعی، خواه کلی و خواه جزئی، از جریان تاریخ است.

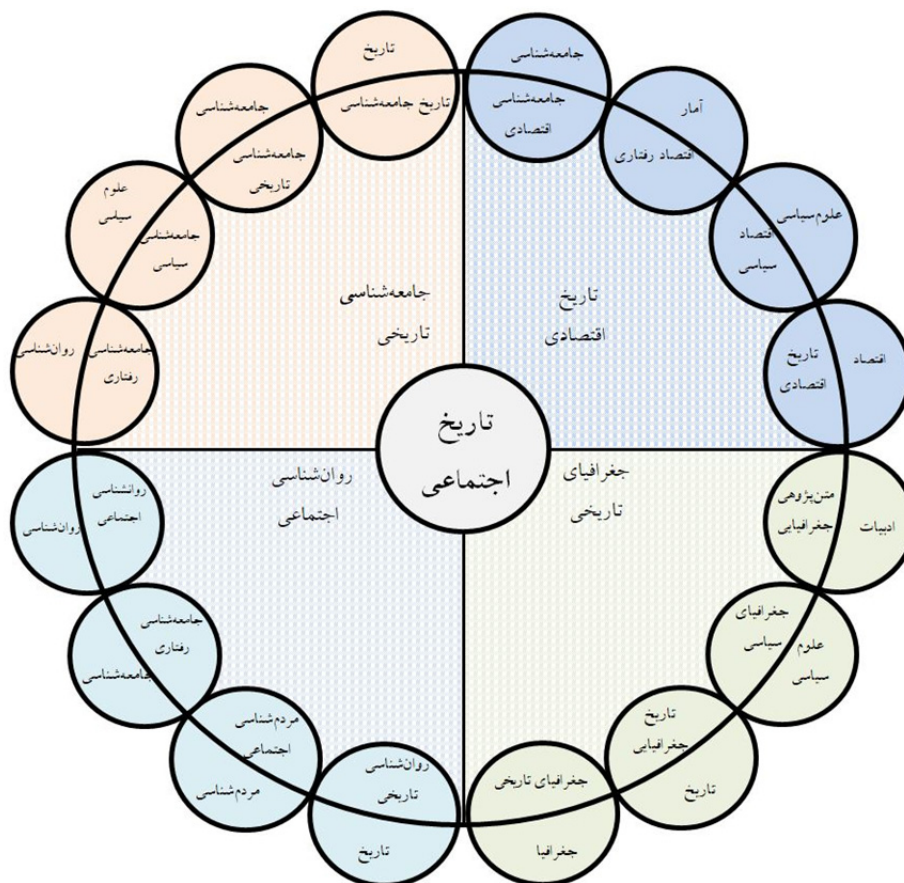
جامعه‌شناسی تاریخی: جامعه‌شناسی تاریخی یکی از مطالعات بین‌رشته‌ای است که سیر تطور جوامع را در طول تاریخ موردبحث قرار می‌دهد. یکی از تعاریف نسبتاً استوار از این علم گفته دنیس اسمیت (Dennis Smith) درباره چیستی جامعه‌شناسی تاریخی است. از نظر او «جامعه‌شناسی تاریخی، به مفهوم درست کلمه معرفتی عقلانی انتقادی و خلاق است. [این رشته] درصدد شناخت سازوکارهایی است که به وسیله آن جوامع تغییر [می‌یابند] یا [ساختارهای حقوقی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، و ...] خود را بازتولید می‌کنند» (اسمیت ۱۳۸۶: ۱۴۷). جامعه‌شناسی تاریخی بیش از سه دانش قبلی با تاریخ اجتماعی پیوند دارد، به طوری که گاه تمیز دادن آن‌ها از یک‌دیگر بسیار دشوار است. اگر بخواهیم با دقت بیش‌تری این مسئله را روشن کنیم، باید بگوییم که جامعه‌شناسی تاریخی را می‌توان بخشی از تاریخ اجتماعی قلمداد کرد؛ زیرا تاریخ اجتماعی محدوده وسیع‌تری را در بر می‌گیرد. به عبارت دیگر، جامعه‌شناسی تاریخی در دل تاریخ اجتماعی قرار می‌گیرد و بخشی از آن است.

این چهار حوزه در شکل ۱ قابل مشاهده است:



شکل ۱. آبشخورهای اصلی تاریخ اجتماعی

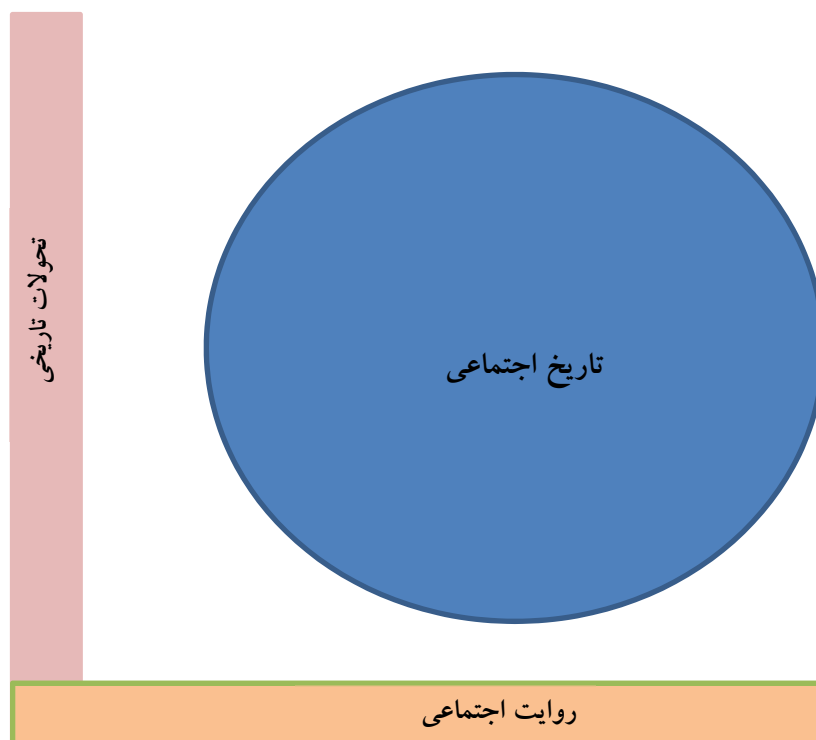
هریک از چهار رشته اصلی تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی معرفت‌هایی بین‌رشته‌ای هستند و از تلفیق رشته‌ها و نظام‌های دانشی دیگری تشکیل شده‌اند. هرکدام از رشته‌های موردنظر ما در تلاقی با این چهار رشته یک معرفت بینارشته‌ای را تولید می‌کنند و همگی تشکیل‌دهنده معرفتی به نام تاریخ اجتماعی هستند. شیوه ترکیب این معارف و تشکیل نظام‌های بینارشته‌ای در شکل ۲ نمایش داده شده است، بدین گونه که تاریخ اجتماعی در دایره مرکزی قرار دارد و هر یک از چهار رشته اصلی، که از تلاقی با سایر رشته‌ها تشکیل شده‌اند، در نیم‌دایره داخلی نشان داده شده‌اند و دایره خارجی و معرفتی، که با معرفت اصلی تلاقی می‌کند، در نیم‌دایره خارجی دوایر کوچک به نمایش درآمده‌اند.



شکل ۲. رشته‌ها و زیررشته‌های تشکیل‌دهنده آبشخورهای اصلی تاریخ اجتماعی

پس از سخن درباره رشته‌ها و زیررشته‌های تشکیل‌دهنده آبشخورهای تاریخ اجتماعی قصد داریم تا بنابر تعاریفی که پیش‌تر از صاحب‌نظران تاریخ اجتماعی نقل کرده‌ایم، اجزای تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی را واکاوی کنیم تا در این مقاله به‌روشنی مشخص شود که تاریخ اجتماعی به چه معناست.

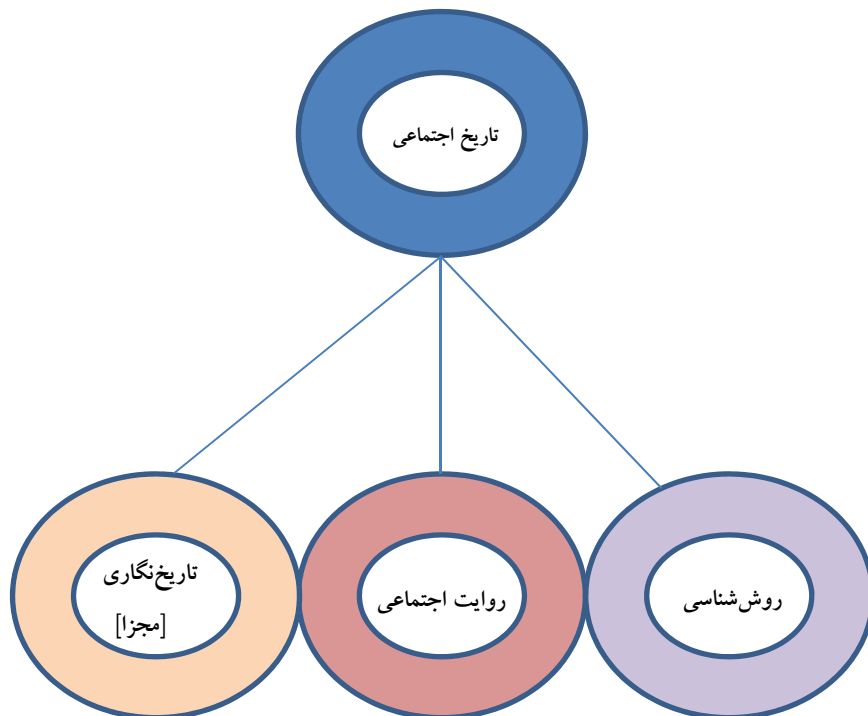
این دانش راوی تاریخ در بستر اجتماع با ابتدا بر امر اجتماعی است. با چنین مفروضی، روایت اجتماعی و یا روایتی از یک اجتماع نخستین زمینه برای شکل‌گیری تاریخ اجتماعی است و تاریخ اجتماعی می‌تواند روایتی اجتماعی از تحولات تاریخی، خواه خرد و خواه کلان، باشد.



شکل ۳. شکل‌گیری تاریخ اجتماعی
از تلاقی تحولات تاریخی و روایت اجتماعی

درواقع، چنین دریافتی از تاریخ اجتماعی می‌تواند نخستین ره‌یافت‌ها از تاریخ اجتماعی را برای ما تداعی کند؛ این‌که مورخی با یک روایت اجتماعی تحولات تاریخی را بازگو کند. آیا به‌راستی می‌توان هر اثری را که واجد چنین شرایطی باشد تاریخ اجتماعی قلمداد کرد؟ به‌طور قطع خیر، اما چنین خصیصه‌ای نخستین عنصر شکل‌دهنده تاریخ اجتماعی است و آثار فراوانی را می‌توان مثال زد که به همین بخش بسنده کرده‌اند.

درکنار روایت اجتماعی، دو عنصر دیگر نیز در ساخت تاریخ اجتماعی مشارکت دارند: روش‌شناسی یا روش‌شناسی‌های نوین یا مجزای از تاریخ‌نگاری‌های مرسوم و گونه‌ای از تاریخ‌نگاری نوین یا مجزا. برای نمونه، استفاده از روش‌های کمی و کیفی برای تبیین و تحلیل‌های اجتماعی و نیز نگارش تاریخ بر مبنای براساس قدرت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، امر اجتماع، و



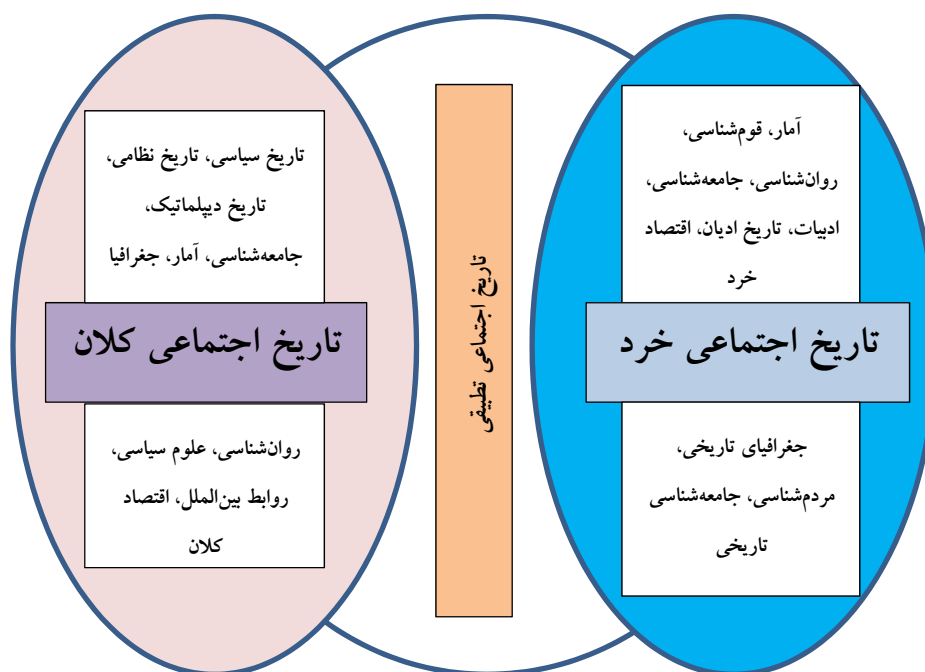
شکل ۴. عناصر ساخت تاریخ اجتماعی

این سه عنصر که از آن‌ها یاد کردیم، برگرفته از تعاریفی بود که پیش‌تر نقل شده‌اند. در جدول ۲ موضع صاحب‌نظران در برابر عناصر گفته‌شده مشخص شده است.

جدول ۲. موضع صاحب‌نظران درمقابل عناصر تشکیل‌دهنده تاریخ اجتماعی

ردیف	عناصر	روش‌شناسی	روایت اجتماعی	تاریخ‌نگاری [مجزا]	روش‌شناسی	روایت اجتماعی	تاریخ‌نگاری [مجزا]	روش‌شناسی	روایت اجتماعی	تاریخ‌نگاری [مجزا]
۱	باور به گونه‌ای از تاریخ‌نگاری مجزا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۲	باور به روش‌شناسی مجزا	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓
۳	باور به نقل روایت اجتماعی	✓	*	✓	*	✓	*	✓	*	✓

تاریخ اجتماعی با مدد از رشته‌های مختلف به روایت اجتماعی می‌پردازد و این گونه را به‌طور کلی می‌توان به سه دسته تاریخ اجتماعی خرد، تاریخ اجتماعی کلان، و تاریخ اجتماعی تطبیقی تقسیم کرد. این پیوندها در شکل ۵ ترسیم شده‌اند.



شکل ۵. پیوندها در سه گونه تاریخ اجتماعی

۹. نتیجه گیری

هدف مقاله پیش‌رو ارائه دورنمایی از «چگونگی» زایش گونه‌ای از تاریخ‌نگاری به‌نام تاریخ‌نگاری اجتماعی در مغرب‌زمین بوده است، لذا برای نیل به آن، پس از مقدمه، تعاریفی را درخصوص تاریخ اجتماعی آوردیم. تعاریف در این خصوص بسیار پراکنده و تاحدی نیز متناقض‌نما هستند و همین معنا دشواری این کار را دوچندان می‌کند، اما می‌توان در این میان به معانی مشترکی از برای «تقریر محل نزاع» دست یافت. سپس، از مختصات گونه‌ای از تاریخ‌نگاری نوین در برابر تاریخ‌نگاری کهن گفتیم تا تفاوت این گونه نوین بیش‌تر آشکار شود و مابازای عینی تاریخ اجتماعی نیز روشن شود و در واپسین بخش این نوشته، پس از سخن در باب ره‌یافت‌های جدید این گونه، به جمع‌بندی این آرا پرداختیم. سعی ما در این پژوهش بر این بود تا با بررسی چشم‌اندازهای متفاوت تاریخ اجتماعی زمینه‌ای را برای ادراک تاریخ اجتماعی در ایران فراهم آوریم و افزون‌بر آن نسبت دانش تاریخ اجتماعی با دانش‌های هم‌جوار آن را توضیح دهیم. باوجود منازعات موجود درخصوص معنای تاریخ اجتماعی می‌توان به جمله وزین و نغز پرکین (Harold J. Perkin 1926-2004) اندیشید که می‌گوید: «تاریخ اجتماعی

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملّایی توانی) ۲۷۵

بخشی از تاریخ نیست»، بلکه «کل تاریخ است از منظری اجتماعی» (هنرنا ۱۳۹۴: ۹۸) و چنانچه بخواهیم به طرز دیگری به جمع‌بندی «چیستی» و «ماهیت» تاریخ اجتماعی بپردازیم و تعریف خود را از این مقوله ارائه دهیم، می‌توانیم بگوییم تاریخ اجتماعی دانشی است راوی تاریخ، در بستر اجتماع، با ابتنا بر امر اجتماعی.

پی‌نوشت‌ها

۱. difference/differentia یا فصل یکی از کلیات خمس، یعنی نوع، جنس، فصل، عرض عام و عرض خاص، در علم منطق است. اهل اصطلاح در تعریف فصل می‌گویند: فصل وصفی از اوصاف اشیا را تغییر می‌دهد (بنگرید به خوانساری ۱۳۹۹؛ فاضل تونی ۱۳۸۶).

۲. برای نمونه، کافی است تا در پایگاه اینترنتی آمازون (<<https://www.amazon.com>>) و یا یکی از کتاب‌خانه‌های بین‌المللی عبارت تاریخ اجتماعی «... the social history of... or a social history of...» را جست‌وجو کنیم. عناوین قابل مشاهده بسیار جالب توجه خواهد بود. برای نمونه، *سربازان انگلیسی در آمریکا: تاریخی اجتماعی از زیست نظامی در عصر انقلاب* (The British Soldier in America: A Social History)، *دوران: تاریخ اجتماعی تازه‌واردان* (The Season: A Social History of the Debutante)، *آمریکایی‌ها چگونه می‌خورند: تاریخ اجتماعی خوراک و فرهنگ* (How America Eats: A Social History of U.S. Food and Culture)، *انقلاب‌های خانگی: تاریخ اجتماعی زیست خانوادگی آمریکایی* (Domestic Revolutions: A Social History Of American Family Life)، *پای بکوب: تاریخ اجتماعی ساز درام* (Kick It: A Social History of the Drum Kit)، و ... نمونه‌های بالا همگی مؤید این نظر است که تاریخ اجتماعی دامنه گسترده‌ای را شامل می‌شود، حال اگر همین جست‌وجو را در میان آثار موجود ایرانی انجام دهیم، دامنه پاسخ وسیع‌تر نیز خواهد بود.

۳. رافائل ساموئل (Raphael Samuel) استاد کالج راسکین (Ruskin College) در آکسفورد (Oxford)، کیث هاپکینز (Hopkins Keith) رئیس دانشکده علوم اجتماعی در دانشگاه برونل (Brunel) و نویسنده کتاب *فاتحان و بردگان* (Conquerors and Slaves)، جان برویلی (John Breuilly) استاد تاریخ دانشگاه منچستر (University of Manchester) و نویسنده کتاب *ناسیونالیسم و دولت* (Nationalism and the State)، جوئیس یونگز (Joyce Youngs) استاد تاریخ اجتماعی انگلیسی در دانشگاه اکستر (University of Exeter) و نویسنده کتاب *انگلستان قرن شانزدهم* (Sixteenth-Century England)، دیوید کانادین (David Cannadine) عضو کالج مسیحی (Christ's College) کمبریج (Cambridge) و سردبیر نشریه سیاست‌مداران، قدرت و سیاست در شهرهای قرن نوزدهم (Politicians, Power and Politics in Nineteenth-Century Towns)، رویدون هریسون (Royden Harison) استاد بازنشسته تاریخ اجتماعی در دانشگاه وارویک (University of Warwick) و نویسنده کتاب *تقسیم کار* (Divisions of Labour)، و جی. سی. دی. کلارک (J. C. D. Clark) عضو پترهاوس (House Peter) و نویسنده کتاب *جامعه انگلیسی ۱۶۸۸-۱۸۳۲* (English Society 1688-1832).

4. "We look into the past and inevitably write something about ourselves".

۵. جالب این که هابسبام نیز، که در مقاله‌ای پیش تر بدان اشاره کردیم، این تعریف را مطمح نظر دارد و آن را از تعاریف مهم تاریخ اجتماعی می‌داند (بنگرید به Hobsbawm 1971).

۶. از آن جاکه این پژوهش درخصوص تعاریف مرسوم تاریخ اجتماعی در سده بیستم میلادی است و در پی درک عمومی از تاریخ اجتماعی است، بحران هویتی تاریخ اجتماعی در سده بیست و یکم کم تر مورد توجه قرار گرفته است. برای آگاهی از این موضوع، بنگرید به

Cabrera, Miguel A. (2005, February, 7), *Postsocial History: An Introduction*, Marie McMahon (trans.), Lexington Books, First Edition Edition.

۷. برخی از مورخان مشهور تاریخ اجتماعی که در این مقاله معرفی شده‌اند: آسا بریگز (Asa Briggs)، جان ادوارد کریستوفر هیل (John Edward Christopher Hill)، رادنی هاوارد هیلتن (Rodney Howard Hilton)، اریک جی. هابسبام (Eric J. Hobsbawm)، پاتریک جویس (Patrick Joyce)، توماس پیتزر رافائل لاسلت (Thomas Peter Ruffell Laslett)، هارولد پرکین (Harold Perkin)، آیلین پاور (Eileen Power)، رافائل الکان ساموئل (Raphael Elkan Samuel)، جوآن ترسک (Joan Thirsk)، کیث ویویان توماس (Keith Vivian)، و ادوارد پالمر تامپسون (Edward Palmer Thompson).

۸. در شوروی سابق کوشش شد تا مواردی از تحولات تاریخی با امیال سردمداران حزب کمونیست تطبیق یابد و در نتیجه طی «مباحثات لنینگراد» تاریخ محکوم شد تا از مراحل سه گانه بردگی، فئودالیسم، و بورژوازی گذر کند: تاریخی کلی با قوانینی خدشه ناپذیر. با گذشت سال ها از فروپاشی شوروی سابق کماکان براساس دانسته‌های نگارندگان مهم ترین متن انتقادی فارسی درخصوص وقایع لنینگراد رساله مختصر محمدعلی خنجی است (برای آگاهی بیش تر، بنگرید به خنجی ۱۳۳۵).

۹. در نظرگاه هانا آرنت، «جنبش های توتالیتار از این لحاظ که در دنیایی فعالیت دارند که خود توتالیتار نیست، مجبورند کاری کنند که ما معمولاً آن را به منزله تبلیغات می فهمیم» (آرنت ۱۴۰۰: ۱۲۹). در همین جهت رایش سوم اهمیت فراوانی برای علم تاریخ به منظور بسط ایدئولوژی خود قائل بود و به همین سبب در سال ۱۹۳۳ م «بنیاد پژوهشی مسئله یهود در مونیخ» (Münchener Institut zur Erforschung der Judenfrage) را تأسیس کرد. این مؤسسه به سرعت به «بنیاد رایش برای پژوهش در تاریخ عصر جدید آلمان» (Reichsinstitut für die Erforschung Neuerer Deutscher Geschichte) تبدیل شد و وظیفه آن ایجاد ساختارها و ره یافت های در ظاهر علمی برای مسئله یهودیت بود. در این میان والتر فرانک (Walter Frank 1905-) (1945) مورخ برجسته ای بود که به خدمت رژیم رایش درآمد و همانند پیشوا (Führer) پس از سقوط آلمان خودکشی کرد (بنگرید به آرنت ۱۴۰۰: ۲۲۸).

کتاب نامه

استرنز، پیتر (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمد ابراهیم باسط*.

تأملی در «چیستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۷۷

استرنز، پیتر (۱۳۹۴)، «اکنون و آینده تاریخ اجتماعی»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.*

اسمیت، دنیس (۱۳۸۶)، *برآمدن جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه دکتر سیدهاشم آقاجری، تهران: مروارید.
انتخابی، نادر، لوسین فور، و مارک بلوک (۱۳۹۱)، «پیکار مشترک با دو ره یافت متفاوت»، پایگاه اینترنتی انسان‌شناسی و فرهنگ: <<https://www.anthropologyandculture.com>>

ایگرس، گئورگ (۱۳۹۶)، *تاریخ‌نگاری در قرن بیستم: از عینیت تا چالش پسامدرن*، ترجمه محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.

آرنت، هانا (۱۴۰۰)، *توتالیتاریسم: عناصر و خاستگاه‌های حاکمیت توتالیتیر*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ثالث.
آژند، یعقوب (۱۳۸۰)، «تاریخ‌نگاری محلی ایران»، *تاریخ‌نگاری در ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: گستره.
برومند، صفورا (۱۳۹۱)، *ممیزی تاریخ اجتماعی در ایران*، طرح ممیزی موضوع مهم علمی، انجمن علمی ایرانی تاریخ.

برومند، صفورا (۱۳۹۳)، «آسیب‌شناسی آموزشی تاریخ اجتماعی در نظم آموزشی عالی ایران»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، س ۴، ش ۱، ۲۷-۱.

برک، پیتر (۱۳۸۹)، *انقلاب تاریخ‌نگاری فرانسه: مکتب آنال: ۱۹۲۹-۱۹۸۹*، ترجمه کامران عاروان، تهران: تاریخ ایران.

بیکر، آلن اچ. (۱۳۹۲)، *تاریخ و جغرافیا: پیوند مرزها*، ترجمه مرتضی گودرزی، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی: تهران.
خنجی، محمدعلی (۱۳۳۵)، *بررسی تاریخ ماد و منشأ نظریه دیاکونف*، تهران: حکمت.
خوانساری، محمد (۱۳۹۹)، *دوره مختصر منطق صوری*، تهران: دانشگاه تهران.
دونزلو، ژاک (۱۳۹۵)، *ابداع امر اجتماعی: رساله‌ای درباره افول هیجانات سیاسی*، ترجمه آرام قریب، تهران: شیرازه کتاب ما.

رحمانیان، داریوش (۱۳۸۶)، «پیدایش تاریخ اجتماعی»، *کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، س ۱۱، پیاپی ۱۱۲، ۴-۱۳.
رهنمایی، محمدتقی (۱۳۹۹)، «موضوع‌شناسی جغرافیای تاریخی در قالب یک مدل مفهومی»، در: *مجموعه مقالات نخستین همایش جغرافیای تاریخی: نخستین همایش گروه جغرافیای تاریخی جهان اسلام*، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.

فاضل تونی، محمدحسین (۱۳۸۶)، *منطق*، تهران: مولی.

کتاب ماه تاریخ و جغرافیا (۱۳۸۲)، «تاریخ اجتماعی در گفت‌وگو با دکتر تورج اتابکی»، س ۷، پیاپی ۷۳، ۶-۱۹.
کنراد، کریستوف (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.*

- کوکا، یورگن (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی امروز: خسران‌ها، دستاوردها، فرصت‌ها»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت*.
- ماخانی، محمدجلال (۱۴۰۱)، «جغرافیای تاریخی از دو منظر: درآمدی بر اهمیت جغرافیای تاریخی پیرامون مسائل تاریخی ایران»، *سیاست پژوهی اسلامی/ایرانی*، س ۱، ش ۳، ۸۰-۶۰.
- مایلز، فرین (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی: مسائل، راه‌برد، و روش‌ها*، ترجمه ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت.
- محمداپور، احمد (۱۳۹۶)، *تاریخ به روایت فلسفه: از هرودوت تا آلن بدیو*، قم: لوگوس.
- مردم‌نامه (۱۳۹۸)، «تولد تاریخ اجتماعی در ایران؛ گفت‌وگوی محسن آزموه با ابراهیم موسی‌پور»، ش ۱۰، پیاپی ۱۱، ۱۴۸-۱۶۵.
- موسی‌پور، ابراهیم (۱۳۸۶)، «تاریخ اجتماعی: رویکردی نوین به مطالعات تاریخی»، *تاریخ و تمدن اسلامی*، س ۲، ش ۶، ۱۴۱-۱۵۵.
- موسی‌پور بشلی، ابراهیم (۱۴۰۰)، *ره‌یافت به فرد و داده‌های فردی در مطالعات تاریخ اجتماعی*، تهران: سمت.
- موسی‌پور بشلی، ابراهیم و محمدابراهیم باسط (۱۳۹۴)، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش و آموزش، گردآوری و ترجمه ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت*.
- نولته، ارنست (۱۳۹۶)، *قرن بیستم: ایدئولوژی‌های خشونت*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ققنوس.
- نولته، ارنست (۱۳۹۹)، *اسلام‌گرایی: سومین جنبش مقاومت رادیکال*، ترجمه مهدی تدینی، تهران: ثالث.
- هنرta، جیمز (۱۳۹۴)، «تاریخ اجتماعی به مثابه امر زیسته و مکتوب»، *تاریخ اجتماعی: دانش، روش، آموزش، گردآوری و ترجمه دکتر ابراهیم موسی‌پور بشلی و محمدابراهیم باسط، تهران: سمت*.

Encyclopedia of Social History (1994), Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Gilbert, Rozman (1994) "Modernization", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Hobsbawm, E. J. (1971), "From Social History to the History of Society", *Daedalus*, Historical Studies Today, vol. 100, no. 1, 20-45.

Mary Lindemann (1994), "Mentalities", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Michael P. Hanagan (1994), "Economics: Economic and Social History", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Michael P. Hanagan (1994), "Industrialization", *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Myron P. Gutman (1994), "Demography", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

تأملی در «چستی» و «ماهیت» ... (محمدجلال ماخانی و علیرضا ملایی توانی) ۲۷۹

Patrick, Joyce (2010), "What is the Social in Social History?", *Past & Present*, vol. 206, 213-248.

Samuel, Raphael (1985), "What is Social History", *History Today*, vol. 35, no. 3.

Stoianovich, Traian (1994), "Annales School", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Streans, Peter N. (ed.) (1993), *Encyclopaedia of Social History*, Taylor & Francis.

Streans, Peter N. (ed.) (2001), *Encyclopaedia of European Social History: From 1350-2000*, Charles Scribner's Sons.

Sutton, Donald S. (1994), "Anthropology", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

Traian Stoianovich (1994), "Annales School", in: *Encyclopedia of Social History*, Peter N. Streans (ed.), New York and London: Garland Publishing.

<<https://www.archives.history.ac.uk/makinghistory>>.

<<https://www.amazon.com>>.

<<https://www.anthropologyandculture.com>>.

<<https://www.britannica.com>>.

<<https://www.economichistory.iwcs.ac.ir/>>.

<<https://www.farhangemrooz.com>>.

<<https://www.historytoday.com>>.

<<https://www.socialhistory.iwcs.ac.ir/>>.

<<https://www.tarjomaan.com>>.

<<https://www.uchicago.edu>>.

